

نشریه ادبیات پایداری
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

درونمایه‌های مقاومت در شعر هارون هاشم رشید (علمی-پژوهشی)

دکتر قاسم مختاری^۱، مطهره فرجی^۲، قدرت‌الله وفایی خوش^۳

چکیده

ادبیات پایداری فلسطین، درخت تناوری است که در دامان فرهنگی انقلاب فلسطین، علیه ظلم اسرائیل روییده‌است. این شاخه ادبی بر پایه ستیز با بیدادگران و ترسیم چهره آنان و به‌منظور دفاع از هویت فلسطینی در مقابل تاخت و تاز بیگانگان ظهور کرده‌است.

مقاله حاضر که به صورت توصیفی-تحلیلی نگاشته شده‌است، تلاش می‌کند با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با تحلیل شواهد درون‌متنی، درون‌مایه‌های مقاومت را در شعر یکی از برجسته‌ترین شاعران مقاومت؛ هارون هاشم رشید، نشان دهد و مضامین شعری وی را در دیوان «غزة فی خط النار» مورد بحث قرار داده و از این طریق راهگشای نوعی نگرش تازه در برخورد با این اثر ادبی ارزنده باشد. هارون هاشم رشید، شاعر فلسطینی و از پیشگامان و توسعه‌دهندگان شعر پایداری در ادبیات عرب و جهان اسلام است. وی شاهد اشغال فلسطین و اوضاع نابسامان کشورهای منطقه بوده و مدت‌ها انتظار حرکت انقلابی مردم را می‌کشید. وی نسبت به مظلومیت کشورش واکنش نشان داده و برای رهایی از این وضع، فریاد برمی‌آورد و تنها راه را، مبارزه و امید به خداوند می‌داند و هرگونه سازش را رد می‌کند. وی با زیباترین و بدیع‌ترین و در عین حال جانسوزترین واژگان، توجه ملت‌های جهان را به یتیمان فلسطینی معطوف می‌دارد.

مظلومیت کودکان فلسطینی، امدادهای غیبی خداوند، شکیبایی در مقابل مشکلات، یادآوری گذشته درخشان اعراب، بی‌هویتی صهیونیسم، استعمار ستیزی و ... از بارزترین مضامین قابل بررسی در اشعار این شاعر به‌شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: شعر معاصر عربی، ادبیات مقاومت، فلسطین، هارون هاشم رشید

^۱ - دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) q-mokhtari@araku.ac.ir

^۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

^۳ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی از دانشگاه اراک

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۱

۱- مقدمه

ادبیات مقاومت از بارزترین پناهگاه‌های فرهنگی مردم ستمدیده و مظلوم و بی‌گناه در برابر اختناق و ستم بیگانگان است و با تکیه بر احساسات قومی و دینی، مردم و اهل قلم را به قیام و ایستادگی در برابر استبداد و سلطه‌گران فرا می‌خواند. این نوع ادبی، نمایان‌کننده عشق مردم بی‌دفاع نسبت به سرزمین و میهنشان و نیز دعوت به مبارزه، آرمان‌خواهی و رؤیای تحقق آزادی، بیان ارزش جهاد، توجه به خداوند و توکل بر او، تلاش برای بیداری مردم از خواب غفلت و دعوت به همبستگی ملی و نفی تفرقه در میان آنها می‌باشد.

شاعران ادبیات پایداری با ترسیم شرایط اسفبار مردم مظلوم و بی‌دفاع به انتقاد از اقدامات سرکوب‌گرایانه رژیم‌های ظالم پرداخته و در عین حال، بیداری و احساس قیام را در مردم برمی‌انگیزند. این شاعران، لحنی ستیزنده دارند و با اعتراض بر آنچه وضع موجود نام دارد، چشم‌انداز وضعیت مطلوب را ترسیم می‌کنند و هنگامی که به عظمت پایداری و وقایع آن می‌نگرند، حیرانی و سرگردانی خود را در غبار غلیظ توهم درمی‌یابند به سکوت خویش اعتراض می‌کنند و اسباب کتابت خویش را سرزنش می‌کنند که چرا شرافتمندانه در راه مقدس پایداری گام بر نمی‌دارند.

این مقاله در پی آن است تا ضمن معرفی اجمالی شاعر معاصر عرب؛ هارون هاشم رشید، جلوه‌هایی از ادبیات مقاومت در اشعار وی را نشان دهد و از سختی‌ها و مشکلات کودکان فلسطینی، اشک‌های آنان که چون ابر بهاری خارها و خاشاک‌ها را سیراب می‌کند و نیز از شکوه‌های پنهانشان سخن براند. همچنین در صدد است تا هشدار یتیمان آواره‌ای که قلبشان هدف تیرهای سلطه‌بیدادگران قرار گرفته و در سینه‌هایشان هزاران خنجر زهر آگین فرو رفته را بیان کند و بگوید که فریاد اعتراض آنان هرگز خاموش نخواهد شد.

هارون هاشم رشید، برادر شاعر پرآوازه، علی هاشم رشید است که در سال ۱۹۲۷ میلادی در محله‌ی زیتون در شهر غزه پا به عرصه وجود نهاد. وی از سال ۱۹۵۰ به سرودن شعر روی آورد.

قصیده‌های او در روزنامه‌ها و مجلات شهر غزه: العالم العربی، المستقبل و نداء العوده چاپ می‌شد. پس از چندی، شهرت او از مرزهای وطنش گذشت و به جهان عرب گسترش یافت. وی در شعرش بیش از دیگر شاعران فلسطینی از الفاظ العوده، العائد، العائدون و ... بهره برد؛ به همین دلیل به لقب «عائد» شهرت یافت. همچنین او در سخن گفتن از پناهندگان و درد و رنج‌های آنان، گوی سبقت را از دیگر شاعران فلسطینی ربود و این امر سبب شد تا وی را «شاعر النکبة» یا «شاعر القرار» بنامند. او شاعر زخم‌های فلسطین است و تمامی سخنش پیرامون این سرزمین است. وی نماینده دائمی فلسطین در کمیسیون‌های عربی اتحادیه عرب و رئیس کمیسیون فرهنگ و تبلیغات در مجلس ملی فلسطین بود. نخستین دیوان شعری وی «مَع الغُرباء» نام دارد که در سال ۱۹۵۴ منتشر شد. وی از سال ۱۹۵۴ تا سال ۲۰۰۲ علاوه بر اشعار نمایشی، بیست دیوان شعری را به کارنامه ادبی خویش افزود. از دیگر آثار او می‌توان به «غزة في خط النار»، «حتى يعود شعبنا»، «سفينة الغضب»، «رحلة العاصفة»، «مزامير الأرض والدم» و ... اشاره نمود (ن. ک: الجیوسی، ۱۹۹۷، ج ۱: ۲۴۵).

۱-۱- بیان مسئله

شاعران مسلمان و متعهد در دفاع از ارزش‌های مقدس دینی و ملی با تکیه بر نیروی قلم خویش ایفای نقش می‌کنند. این شاعران خود را ملزم می‌دانند تا حماسه‌های دفاع و مقاومت را به دنیا بشناسانند و از خلال آن، همگان را به دفاع و استقامت در برابر ظلم‌پیشگان دعوت کنند؛ از همین رو بر اصحاب قلم، فرض است تا با دغدغه‌ای جدی‌تر به این مهم اهتمام ورزند تا حقایق ظلم‌ستیزی و دفاع از کیان و هویت ملی در ذهن نسل پرسشگر آینده مورد تردید و انکار قرار نگیرد؛ به همین منظور، این مقاله بر آن است تا درون‌مایه‌های مقاومت را در شعر یکی از برجسته‌ترین شاعران مقاومت؛ هارون هاشم رشید، بررسی کند و مضامین شعری وی را در دیوان «غزة في خط النار» مورد بحث قرار دهد و از این طریق راهگشای نوعی نگرش تازه

در برخورد با این اثر ادبی ارزنده باشد. این پژوهش به روش سند کاوی کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود که با تحلیل شواهد درون متنی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام می‌گیرد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

پژوهشگران حوزه ادبیات مقاومت، تاکنون در مورد چگونگی ادبیات مقاومت و مراحل پیدایش و تکوین و تکامل آن در دوره‌های مختلف و فراز و فرودهای آن در جوامع گونه‌گون، مطالبی نگاشته‌اند؛ ولی پس از مطالعات و بررسی‌های به‌عمل آمده در کتاب‌ها و مجلات و حتی سایت‌های مختلف، پژوهش یا پژوهشگری که به ادبیات مقاومت در دیوان «غزوة فی خط التار» هارون هاشم رشید پرداخته باشد، یافت نشد. با توجه به اینکه هارون هاشم رشید، شاعری پرآوازه در عرصه ادبیات پایداری است، نگارندگان پس از مطالعه اشعار وی، درون‌مایه‌هایی با عناوین: یتیم، تهدید، افشای جنایت‌های استبداد علیه مردم، جلوه‌های آگاهی و بصیرت در شعر مقاومت و توکل و توسل به معبود یکتا را طرح کرده‌اند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

تأمل و تحقیق در حوزه شعر و ادبیات پایداری و تبیین ابعاد گونه‌گون آن با بهره‌گیری از زبان گویای هنر به‌ویژه شعر و ادبیات از ضرورت‌های انکارناپذیر است. آثاری که توسط شاعران و نویسندگان مقاومت خلق شده‌است، حجم کمی نیست؛ ولی این که این آثار تا چه حد توانسته‌اند در ثبت حماسه‌ها و به‌تصویر کشیدن و ماندگاری این رخداد‌های شگفت موفق باشند، جای بحث و تأمل فراوان دارد.

طبق بررسی‌های انجام شده، تاکنون آثار هارون هاشم رشید به‌ویژه دیوان «غزوة فی خط النار» وی آن گونه که درخور و شایسته‌است، مورد توجه اصحاب قلم قرار نگرفته‌است. این پژوهش

بر آن است تا به این مهم پرداخته و جلوه‌های پایداری را در این دیوان حماسی ماندگار که از ژرفای عواطف و احساسات شاعری مبارز و انقلابی برآمده است به تصویر کشد.

۲- بحث

{ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ } (عنکبوت: ۶۹): و آنهایی را که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد می‌کنند به راه خود هدایت خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است.

ادبیات پایداری از همگان می‌خواهد که به مبارزه علیه ظلم و طغیان برخیزند و در مبارزه و ستیز با ظلم و بیداد، همچون دریاها خروشان و چون کوه‌ها استوار باشند. این ادبیات می‌کوشد تا مردم را از جهل و غفلت رهانیده و آگاهی لازم را به افراد جامعه ارزانی بخشد و توجه آنان را به توانمندی‌ها و نعمت‌های خود معطوف دارد و راه را برای هدایت آرمان‌ها و آرزوهای قلب پر تپش آنان هموار کند. «کاربرد عنوان ادبیات پایداری بسیار جوان است و عمدتاً به آثاری گفته می‌شود که در همین سده نوشته و آفریده شده‌اند و روح ستیز با جریان‌های ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آنها را نشان می‌دهند و مضمّن‌رهایی، رشد و بالندگی جامعه‌های انسانی هستند.» (آل بویه لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲). ادبیات پایداری صرفاً عبارت است از «تشویق و تشجیع مردم به نجات و دفاع در برابر دشمنانی که خصمانه در پی تحمیل سلطه خود هستند.» (طاهری‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۴۲). در حقیقت «ادبیات پایداری، یکی از شاخه‌های مهم ادبیات التزام و تعهد است که به واسطه رویکرد اندیشه‌ای-اعتقادی‌اش، مفاهیم بزرگ و باورمندی را در خود پرورانده است.» (علیپور، ۱۳۹۰: ۳۸۰).

بر این اساس، ادب مقاومت به‌عنوان شاخه‌ای از ادب متعهد و ملتزم، «باید هدفمند و تعلیمی باشد و برای رساندن پیام یا القای موضوعی که مورد نظر شاعر است، نوشته شود و به مخاطبان‌ش می‌آموزد چگونه در برابر نظام‌های سلطه‌گر و مستبد ایستادگی کنند.» (روشنفکر و

دیگران، ۱۳۹۰: ۲۵۸). «ادبیات مقاومت به حکم سرشت روحی آدمی و محدودیت‌های جهان هستی و امکانات آن که پیوسته بسترهایی برای تزاخم خواسته‌ها و برخورد روحی و فیزیکی انسان‌ها با یکدیگر فراهم می‌کند، ادبیاتی بسیار پرمایه است.» (کوپا، ۱۳۹۰: ۴۰۸). هنگامی که شاعر در دنیای ادبیات پایداری، چشم باز می‌کند، تنها رنج‌ها، سختی‌ها و دشواری‌های پی‌درپی را نمی‌بیند. وی در چنین دنیایی مردمان چون مردگان را زنده می‌کند و توان مردم را به سوی مبارزه سوق می‌دهد. زندگی در قاموس شعر او به معنای آگاهی و بیداری اندیشه و حرکت به سمت اصلاح همه‌جانبه‌است؛ بدین جهت، همگان را به مبارزه و پایداری در برابر ظلم حاکم و امید به آینده فرامی‌خواند و دوستان را از غفلت باز می‌دارد. این نوع ادبی «ادبیاتی دغدغه‌مند، جان‌آگاه و هوشیار است که موضوع خود را «انسان» قرار داده‌است و انسان در دایره متکثر خود دارای عواطف، احساسات و حتی دریافت‌های روانشناسانه مشترک است و این اشتراک معانی به مشترکاتی در ادبیات پایداری جهان انجامیده‌است.» (کافی، ۱۳۹۰: ۴۵۸).

یکی از موضوعات مهم و قابل بررسی در سیره ادبیات پایداری، چگونگی تهییج و بسیج رزمندگان و مبارزان، پیش از نبرد و در جریان نبرد است. موضوعی که هم‌اکنون نیز نظریه‌پردازان و شاعران و نویسندگان ادبیات پایداری در راستای ایجاد انگیزه پایداری و مقاومت در مجاهدان و مبارزان و آمادگی هرچه بهتر آنان در مقابل دشمنان، آن را مهم قلمداد می‌کنند و تأثیراتش را در غلبه بر دشمن، غیر قابل انکار می‌دانند. شاعران ادبیات پایداری در رخدادهای و تحولات گونه‌گونی که فلسطین و مردمش با آن روبرو بودند، پیوسته زبان حال مردم خود بوده و از آنان و منافعشان دفاع کردند. تلاش این شاعران بر این بود تا با اشعار خود از توطئه‌های پنهانی علیه فلسطین پرده بردارند و قربانیان گران‌قدری را نیز در راه آزادی فلسطین پیشکش کردند (ن.ک: عطوات، ۱۴۱۹: ۲۶۵؛ ابوهیف، ۲۰۰۷: ۵۳).

۲-۱- درون‌مایه‌های پایداری در شعر هارون هاشم رشید

هارون هاشم رشید، شاعر زخم‌های فلسطین در اشعارش آینده‌ای رؤیایی را تصوّر می‌کند که این آینده تنها در فلسطین و به‌دست کودکان یتیم تبلور می‌یابد. بیان مظلومیت کودکان فلسطینی، امید آنان به امدادهای غیبی خداوند و ایمان و اطمینان به آینده‌ای روشن، بیشترین بازتاب را در آئینه اشعار او دارند، همچنین شکیبایی در مقابل مشکلات، یادآوری گذشته درخشان اعراب، بی‌هویتی صهیونیسم، استعمارستیزی و ... را نیز می‌توان از دیگر جلوه‌های پایداری در اشعار او دانست.

۲-۲- یتیم و یتیم‌نوازی

یتیمان فلسطینی از بزرگی، عزت نفس، عشق، مجد و سروری پدران‌شان سخن گفته و با آسمان درد دل می‌کنند. این موضوع، امری طبیعی است که یتیمان بی‌سرپرست در شعر هارون هاشم رشید که برخی آیات آن مصداق واقعی قرآن کریم است، جایگاه والایی داشته باشند: { فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ } (الضحی: ۹): اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار.

یتیم‌پروری هارون هاشم رشید از جهت ادبی بجاست؛ زیرا وی کتاب شعرش را با قصیده «أطفال بلا آباء!!!» آغاز می‌کند تا شاید تسکینی باشد بر زخم دل‌های کودکان بی‌سرپرست فلسطینی. هنگامی که مصیبت‌ها و رخدادهای ناگوار روزگار قلب یتیمان فلسطینی را شکست، آنان با چشمانی اشکبار به آسمان التماس می‌کنند و اطمینان دارند که آسمانشان (خدا) به خواسته‌هایشان پاسخ رد نمی‌دهد؛ زیرا خودش به آنان وعده داده‌است: { وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ... } (غافر: ۶۰). چشمان اشکبار این یتیمان بر شکوه کهن و ریشه‌دار اجدادشان با آسمان نغمه‌سرای می‌کند به این امید که آسمان ترحمی نماید و از سنگینی بار مصیبت آنان بکاهد. آنها چنان با چشمانشان به آسمان خیره می‌شوند که گویی آنجا چیزی را جست‌وجو می‌کنند. شاعر توجه کودکان فلسطینی را به آسمان معطوف می‌کند نه به زمین؛ زیرا او می‌داند

که آسمان، نماد رأفت و رفعت است و زمین، نماد خشونت و پستی؛ از این رو، یتیمان چنان خداوند را صدا می‌زنند که آسمان از شدت سهمگینی فریاد آنان به لرزه می‌افتد:

فِي غَزَّةِ أَطْفَالٍ بِلاَ آبَاءٍ / در غزه کودکانی بی سرپرست می‌باشند که...

غِيوْنُهُمْ تَسْتَنْجِدُ السَّمَاءَ / چشمانشان از آسمان یاری می‌طلبد.

لِأَنَّهَا تُؤْمِنُ بِاللَّهِ؛ زیرا آن چشمان به یاری خدا ایمان دارند.

تُؤْمِنُ بِاللَّهِ بِكُتُبِهِ... بِالْأَنْبِيَاءِ / به خداوند به کتاب‌های مقدس او و رسولانش ایمان دارند.

صَافِيَةً... لَيْسَ بِهَا رِيَاءٌ / چشمانی براق، معصوم و بی‌ریا.

عَالِقَةٌ الْأَهْدَابِ بِالْفَضَاءِ / پلک‌ها (چشمانشان) به فضا دوخته شده‌است.

تَبَحُّثٌ عَنِ أَشْيَاءٍ / و به دنبال چیزی می‌گردد.

تَصْرُخُ يَا رَبِّ... / فریاد می‌زند: پروردگارا!

فَيَرْجِعُ الْفَضَاءَ / آسمان به لرزه می‌افتد.

يَا أَنْتَ يَا اللَّهَ / [آنان فریاد می‌زنند] پروردگارا!

يَا أَرْحَمَ الرَّحْمَاءِ / ای مهربان‌ترین مهربانان!

يَا خَيْرَ الْعَطَاءِ / ای بهترین و بخشنده‌ترین بخشندگان!

يَا مُنْقِدَ الْبُؤْسَاءِ / ای فریادرس بی‌نویان!

يَا رَبَّنَا... نَحْنُ بِلاَ آبَاءٍ / پروردگارا! ما پدرانمان را از دست داده‌ایم.

نَضْرِبُ فِي مَجَاهِلِ الشَّقَاءِ / در بیراهه رنج و سختی سرگردانیم.

بَحْنًا عَنِ الْحَنَانِ وَ الْوَفَاءِ / در جست‌وجوی مهربانی و وفا هستیم.

بَحْنًا عَنِ الْهَنَاءِ / به دنبال آرامش می‌گردیم.

كَانَ لَنَا الْآبَاءُ / ما در گذشته پدر داشتیم.

كَأَنَّا لَنَا الطَّعَامَ وَ الْعَطَاءَ / آنان غذا و سرپناه ما بودند.

كَانُوا لَنَا الْكِيسَاءَ / آنان لباس ما بودند.

كَانُوا لَنَا الْعُيُونَ وَالضُّيَاءَ (هاشم رشید، ۱۹۵۷: ۶-۵) / آن‌ها نور چشم ما بودند.

وی با بیان (عُيُونُهُمْ تَسْتَنْجِدُ السَّمَاءَ / لِأَنَّهَا تُؤْمِنُ بِاللَّهِ / تُؤْمِنُ بِاللَّهِ بِكُتُبِهِ... بِالْأَنْبِيَاءِ) به این آیه شریفه اشاره دارد: {أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا تَفَرُّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ} (بقره: ۲۸۵): پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند: «میان هیچ‌یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است.

و نیز با بیان (يَا أَرْحَمَ الرَّحْمَاءِ / يَا خَيْرَ الْعَطَاءِ) به آیه‌ای دیگر از قرآن کریم، گریز می‌زند: {وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ} (مؤمنون: ۱۱۸): و بگو: «پروردگارا، ببخشای و رحم کن [که] تو بهترین بخشایندگانی.

هاشم رشید، دریافته بود که ارزش‌ها و مقدسات دینی می‌تواند در برانگیختن غیرت اعراب برای دفاع از سرزمین فلسطین مؤثر باشد؛ از این رو سعی دارد با آوردن این ابیات که طنین آیات قرآن از آنها به گوش می‌رسد، همت و غیرت اعراب و فلسطینیان و یا تمامی مسلمانان را برانگیزد.

با نگرشی هرچند اجمالی به اشعار هارون هاشم رشید، به‌خوبی نمایان می‌شود که وی ادیبی است که عقل و قلبش سرشار از عشق و عاطفه و ترحم به یتیمان فلسطینی است. او توانسته با زیباترین تصاویر، واژگان و معانی، مظلومیت یتیمان را به تصویر بکشد. شاعر به یتیمان و قضایای مربوط به آنها پای‌بند است و توجهی ویژه به آنان دارد و اشعار بسیاری را به آنان اختصاص داده است؛ زیرا این کودکان، هموطن، هم‌کیش و هم‌خون وی هستند. وی در قصیده

«صخرة الانتظار» زندگی حزن‌آلود زن فلسطینی آواره‌ای را به تصویر می‌کشد و از شکوه‌ها و انتظار بی‌حاصل کودکان بی‌پناه و بی‌سرپرست او سخن می‌راند:

وَمَرَّ عَامٌ وَ عَامٌ وَ نَحْنُ فِي الْأَكْدَارِ
سال‌ها از پی یکدیگر گذشت و ما همچنان در
اندوه به سر می‌بریم.

نَسِيرٌ مِنْ غَيْرِ قَصْدٍ نَسَعَى لِغَيْرِ قَرَارٍ
ما بدون هدف [به سوی صخره] می‌رویم و بی-
صبرانه تلاش می‌کنیم.

أَطْفَالُهُ كُلُّ يَوْمٍ وَ سَاعَةً وَ نَهَارٍ
کودکان او هر روز و هر ساعت...
يُسْأَلُونَ بِصَوْتٍ مُقَطَّعِ الْأَوْتَارِ
با صدایی بریده بریده می‌پرسند:

«بابا» أَيَّتِي قَرِيباً مِنْ جَوْلَةِ الْأَمْصَارِ؟
آیا پدر به زودی از مسافرت طولانی باز خواهد
(هاشم رشید، ۲۰۰۸، گشت؟
ج ۱: ۴۰)

شاعر از زن آواره‌ای سخن می‌گوید که همسرش به جنگ رفته تا حقوق زایل شده‌اش را بازستاند. او هر روز بر صخره‌ای در ساحل دریا می‌رود و منتظر شوهر می‌ماند. روزها می‌گذرد و نشانه‌ای از او نیست. برخلاف این مسئله، زن همچنان به ساحل می‌رود و هرگز امید بازگشت شویش را از دست نمی‌دهد. از نظر شاعران مقاومت، «پنلوپ»، نمایانگر فلسطین و زن فلسطینی است که در انتظار بازگشت همسرش روزشماری می‌کند. هارون هاشم رشید، شعر مذکور را در سال ۱۹۵۳ در همین زمینه سروده‌است.

پرواضح است که کودکان فلسطینی در اشعار هارون هاشم رشید، حضور چشمگیری دارند. وی در اکثر اشعار خود به ترسیم اوضاع کودکان و یتیمان فلسطینی پرداخته که چگونه در آتش فقدان پدر می‌سوزند و بار سنگین مشکلات را بر شانه‌های کوچک خود حمل می‌کنند. اشعار هارون، اشعاری انسانی است که درد پناهندگی و زندگی آوارگان فلسطین را توصیف

می‌کند. توصیفات اندوهباری که قلب هر انسانی را به درد آورده و آه از نهاد او بلند می‌کند.

وی در قصیده «أطفال غزوة» می‌گوید:

يَقُولُ: أَيْنَ أَبِي يَا أُمَّ أَيْنَ أَخِي؟ وَ أَيْنَ أَهْلِي وَ أَحِبَّابِي تُرَى ذَهَبُوا؟

می‌گوید: مادر! پدر و برادرم کجا هستند؟ خانواده و دوستانم کجایند؟ آیا آنان رفته‌اند؟

[دیگر باز نمی‌گردند؟]

مَضَوْا عَلَى الدَّرْبِ لِلتَّخْرِيرِ غَايَتَهُمْ وَ اسْتَشْهَدُوا وَ أَنَا لِلأَهْلِ أَنْتَسِبُ

آنان برای دستیابی به هدف خویش رفته‌اند و شهید شدند و من نیز به آنان منتسب می‌باشم [راه

آنان را ادامه خواهم داد]

فَإِنْ تَخَاذَلَتِ الدُّنْيَا بِأَجْمَعِهَا عَنِ الطَّرِيقِ، فَإِنِّي الْيَوْمَ أَقْتَرِبُ

(www.nooreladab.com)

اگر همه دنیا از هدف خود منصرف شده و یکدیگر را یاری نکنند، امروز من [به تنهایی]

پیش خواهم رفت.

وی از عزم و اراده این کودکان سخن می‌گوید؛ کودکانی که غیرت و شرافت را از پدران خود

آموخته‌اند و تا دستیابی به مقصد خویش از مقاومت دست بر نخواهند داشت. این کودکان با

وجود همه رنج‌ها و مشکلات، مانند کوه، استوار و پابرجا می‌مانند و همچنان به آینده روشن

وطن اعتقاد دارند:

سَتَشْرِقُ الشَّمْسُ يَا أُمَّاهُ بِأَسِمَةٍ وَتَخْتَفِي هَذِهِ الْغُرَبَانُ تَنْسَجِبُ

(همان)

مادرا! به زودی خورشید، خندان طلوع خواهد کرد و این کلاغ‌ها در خفاء و پنهانی عقب‌نشینی می‌کنند.

۲-۳- توجه به امدادهای غیبی خداوند

طلب پیروزی و صبر از درگاه معبود یکتا در مقابله با دشمن ظالم از نکات مورد توجه شاعر است؛ زیرا او ستایش و راز و نیاز یتیمان فلسطینی با خداوند و درخواست صبر و بردباری از او را به زیبایی به تصویر می‌کشد. آنان خطاب به پروردگارشان می‌گویند: پروردگارا! چشم‌ها به تو دوخته شده‌است و دل‌ها تنها به پیشگاه تو آمده‌اند؛ زیرا تو بهترین بخشاینده گانی:

یا أنتَ یا الله [آنان فریاد می‌زنند] پروردگارا!

یا أرحمَ الرَّحْمَاءِ / ای مهربان‌ترین مهربانان!

یا خیرَ العطاء / ای بهترین و بخشنده‌ترین بخشندگان!

یا مُنقِذَ البُؤْسَاءِ (هاشم رشید، ۱۹۵۷: ۵) / ای فریادرس بی‌نویان!

یتیمان فلسطینی به استواری و پایداری در کارزار، حرکت و پیشروی در صحنه نبرد و پشتیبانی خداوند یکتا در جنگ اعتقاد دارند و اینکه خداوند را با صفاتی چون: «أرحم الرحماء، خیر العطاء و منقذ البؤساء» فرا می‌خوانند، حاکی از امید و ایمان قلبی آنان به این است که ندای حق را خواهند شنید و سرانجام، او به فریادخواهی آنان پاسخ خواهد داد؛ چراکه: { إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ } (فصلت: ۳۰): در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند: «هان، بیم مدارید و غمگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. اینکه به مؤمنان بشارت بهشت داده شده‌است و اینکه در بهشت، آنچه را که بخواهند برایشان آماده‌است، دلالت بر این می‌کند که استواری و پایداری در ایمان و عمل از شریف‌ترین عبادت‌های خداست (ن.ک: طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۳۲). آنها علاوه

بر نصرت‌های الهی به معجزات پیامبران و تقدیس کتب آسمانی اعتقاد دارند و اطمینان دارند که تمامی این‌ها به یاریشان می‌شتابند:

غُبُونَهُمْ تَسْتَجِدُّ السَّمَاءَ / چشمانشان از آسمان یاری می‌طلبد.

لِأَنَّهَا تُؤْمِنُ بِاللَّهِ؛ زیرا آن چشمان به یاری خدا ایمان دارند.

تُؤْمِنُ بِاللَّهِ بِكُتُبِهِ... بِالْأَنْبِيَاءِ (هاشم رشید، ۱۹۵۷: ۵) / به خداوند به کتاب‌های مقدس او و رسولانش ایمان دارند.

یتیمان هارون هاشم رشید به دوستان مؤمن و بی‌سرپرست خود می‌گویند: ما نمی‌ترسیم و غمگین نمی‌شویم؛ زیرا خداوند در نبرد و صحنه کارزار، یار و یاور ماست. طلب پیروزی، استغاثه و توسل به دامن پروردگار از آغاز تا پایان دیوان «غزوة فی خط النار» به‌وضوح مشهود است.

۲-۴- توصیف دشمن

هارون هاشم رشید در مقابل بی‌هویتی صهیونیسم می‌ایستد و از میراث نیاکان خود دفاع می‌کند. وی در توصیف دشمن، غالباً از نمادهای طبیعت بهره برده‌است. گرچه نمادپردازی وی تنها به عناصر طبیعت محدود نمی‌شود؛ ولی بیان نمادین این عناصر بویژه در توصیف چهره دشمن و ظلم و ستم و استبداد او در دیوان «غزوة فی خط النار» بسیار مشهود است. شاعر، این‌گونه به توصیف دشمن و کارشکنی‌های او می‌پردازد:

وَ فِجَاءٌ فِي لَيْلَةٍ لَيْلَاءٍ / ناگهان در شبی تاریک و ظلمانی...

إِسْوَدَّتِ السَّمَاءُ / آسمان تیره و تاریک گشت.

وَ عَرَبِدَتْ عَوَاصِفٌ هَوَّجَاءَ / و طوفان‌های سهمگین غرشی کردند.

تَقْدِفُ بِالْمَوْتِ وَ بِالْفَنَاءِ / و بارانی از مرگ و نابودی [بر سرمان] ریختند.

دَقَّتْ عَلَى أُبْوَابِنَا الْبَيْضَاءَ / و بر درب‌های سفیدمان [سرزمین آرام‌مان] کوبیدند.

فَعَادِرْتَهَا كِتْلًا حَمْرَاءَ/ و آنها را همانند تپه‌های سرخ‌رنگ بر جای گذاشتند (ویرانشان نمودند).

مَصْبُوغَةً بِالِدَّمِ وَ الْأَشْلَاءِ (همان: ۷) // آغشته به خون و تکه‌های پاره‌پاره [اجساد].

کودکان یتیم، حالات و چهره دشمنشان را با استفاده از عناصر طبیعت بیان می‌کنند؛ دشمنانی که سعی بر ویرانی و نشان و به اسارت بردن اهالی آن دارند. سرزمینی که هنگام ورود دشمن به آن، همانند خورشید می‌درخشید و هنگامی که دشمن آنجا را ترک گفت، مانند تپه‌هایی سرخ‌رنگ آغشته به خون شد. فقدان شرایط انسانی که کودکان و مردم مظلوم فلسطین از آن رنج می‌برند، ثابت می‌کند که از نگاه شاعر، سرزمین زیبا «أبوابنا البيضاء» با انسانیت، انس می‌گیرد و در همان زمان، بیگانگان بی‌رحم، آن را به سرزمین خون‌های ریخته شده و اشک‌های غم‌انده؛ «تلاً حمراء» بدل می‌کنند. در این حالت دو کلمه «البيضاء» و «الحمراء» که در ظاهر با یکدیگر تناسبی ندارند، روبروی هم قرار می‌گیرند؛ زیرا کلمه «البيضاء» دلالت بر سیمای سرزمینی دارد که آکنده از صلح و آرامش و امنیت است و کلمه «الحمراء» دلالت بر شعله‌های آتش و طغیان سیل ظالمان دارد.

هاشم رشید اسرائیل را به طوفانی ناگهانی تشبیه می‌کند که ناخودآگاه آسمان فلسطین را تیره و تار می‌کند و با وجود بی‌هویتی و بی‌تمدنی محض، خود را مالک فلسطین می‌داند:

وَ فَجَاءَةً فِي لَيْلَةٍ لِيَلَاءِ/ ناگهان در شبی تاریک و ظلمانی...

إِسْوَدَّتِ السَّمَاءُ (همان) / آسمان تیره و تار گشت.

وی در قصیده‌ای دیگر با نام «قتلوا أبا» با وضوح بیشتر به ترسیم چهره پلید دشمنان می‌پردازد و اندوه نشسته بر چهره دردمندان را به تصویر کشیده و شعر خود را با روح آمیخته با غم و عاطفه گره می‌زند. او با بیان هنرمندانه خود، با برانگیختن حساس‌ترین نقطه، یعنی اعتقادات دینی و عواطف مذهبی مخاطبان، نهایت بی‌رحمی و قساوت قلب دشمنان را نمایان می‌کند:

يَا سَيِّدِي قَتَلُوا أَبِي بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ سرورم! پدرم را پس از نماز

مغرب کشتند.

كَانَ عَلَيَّ سَجَّادَةً يَدْعُو... بِقَلْبٍ طَيِّبٍ در آن حال که با قلبی پاک
[خدا] را فرا می‌خواند.

لَمْ يَرْحَمُوا شَيْخُوخَةَ الْأُمِّ وَلَا دَمْعَ الصَّبِيِّ به پیری و ناتوانی مادر و به اشک
(همان: ۴۹) کودک نیز رحم نکردند.

وی در قصیده «أترقب الأبناء» نیز شخصیت غاصب و جنایتکار دشمن را توصیف کرده و دشمنان را گرگ‌صفتانی می‌داند که در جای‌جای وطنش لانه کرده‌اند و به ریختن خون کودکان و مردم بی‌پناه، چشم طمع دوخته‌اند. وی «گرگ» را نماد تام اسرائیل و رژیم غاصب صهیونیستی می‌داند و با کاربرد این نماد در اشعارش، ماهیت این رژیم را به گونه‌ای ملموس‌تر به همگان معرفی می‌کند:

هناك... حيثُ.. يجثمُ الخرابُ/ آنجا... جایی که ویرانی با آن خو گرفته‌است.

فی بلدی... و يرتعُ الذئبُ/ در کشور من... جایی که گرگ‌ها [در آن] مأوی گزیده‌اند.

و الموتُ و التعذیبُ و الارهابُ/ مرگ و شکنجه و تهدید و ترس...

و الخیلُ و الجنودُ و الحرابُ/ سواران [نظامیان] و سربازان و جنگ [در آن اقامت کرده‌اند].

هناك... حيثُ يقتلُ الشبابُ/ آنجا... جایی که جوانان

و الأهلُ و الرفاقُ و الأحبابُ/ خانواده و دوستان در آن کشته می‌شوند.

هناك... حيثُ ينشرُ العذابُ/ آنجا... جایی که عذاب و شکنجه در آن فراگیر است.

ما وهنوا... كلاً و لا استجابوا.../ آنان هرگز سستی نورزیده‌اند و خواسته [نابجای] دشمن را اجابت نکرده‌اند.

بل أمعنوا و أمعن الذئبُ فی ظلمهم و سدَّت الأبوابُ (همان: ۹۵)/ بلکه بر مقاومتشان پافشاری

کردند؛ گرگان نیز بر ظلم و ستم خویش اصرار ورزیده و پای فشرده‌اند. درب‌ها [به روی فلسطینیان مظلوم] بسته‌است.

بسته شدن درب‌ها به روی فلسطینیان، کنایه از محاصره غزه به دست اشغالگران است.

۲-۵- وطن و وطن پرستی

کشور فلسطین و مسائل آن، در آثار هارون هاشم رشید حضور بارزی دارد. وی با وجود اشغال فلسطین نمی‌تواند در رفاه و آسایش زندگی کند و از آسایش و راحتی سخن بگوید؛ زیرا عشق به فلسطین با ذره ذره وجود او عجین شده‌است و گویی سرشت او با خاک فلسطین در آمیخته‌است؛ چنانکه می‌گوید: «بَلَدِي غَزَّةٌ مِنْهَا أَنَا مِنْ بَعْضِ تَرَاهَا» (همان).
شاعر در قصیده «غَزَّةُ الصَّامِدَةِ» کشور خویش را قله آرزوها و محل رویش آرمان‌های والا، رؤیاهای جاودانه و ترانه‌های دلنشین قلمداد می‌کند و با وجود طوفان‌های سهمگین زمانه به بهای از دست دادن جان خویش و چشم‌پوشی از خون پاکش تا پای جان از وطن پاسداری می‌کند:

مَدِينَتُنَا غَزَّةُ الصَّامِدَةِ مَدِينَتُنَا الْحُرَّةُ الْخَالِدَةِ

سرزمین ما همان غزه مقاوم است. همان سرزمین آزاد و جاوید.

مَدِينَتُنَا قِصَّةُ الْأَمْنِيَّاتِ وَ مَنِيَّتُ أَمَالِنَا الصَّاعِدَةِ

سرزمین ما قله آرزوها و محل رویش آرمان‌های والاست.

مَدِينَتُنَا حُلْمُ الْخَالِدِينَ وَ أُنْشُودُ الْأَنْفُسِ الْمَاجِدَةِ

سرزمین ما سرزمین رؤیای جاودانگان و سروده‌های انسان‌های برجسته‌است.

مَدِينَتُنَا قِصَّةٌ لِلْكَفَّاحِ وَ أُغْرُودَةٌ عَذْبَةٌ رَائِدَةِ

سرزمین ما قصه مبارزه و آواز دلکش پرندگان پیشرو است.

مَدِينَتُنَا كَمَ رَمَاهَا الزَّمَانُ فَصَدَّتْهُ عَارِمَةٌ حَاقِدَةٌ

چه بسیار که روزگار، سرزمین ما را هدف تیر رخدادهای قرار داد و بدخواهان و کینه‌توزان آن را نابود کردند.

مَدِينَتُنَا غَزَّةُ الْبَاسِلَةِ تَمْوُجُ بِأَمَّهَا الْفَاضِلَةِ

سرزمین ما همان غزه قهرمان است که آرمان‌های والا در آن موج می‌زند.

مَدِينَتُنَا فِي خُطُوطِ الْكِفَاحِ مُجَاهِدَةٌ حُرَّةٌ عَامِلَةٌ

(همان: ۲۸)

سرزمین ما خط مقدم ستیز و مبارزه است؛ جهادگر، آزاد و پرتلاش.

با توجه به مفهوم وطن و ریشه‌های عمیق وطن‌پرستی، ادبیاتی که در خدمت این واژه مقدس و در راستای تحقق آرمان‌های آن بوده‌است، ادبیاتی جز ادبیات پایداری نبوده و هارون هاشم رشید به زیبایی توانسته‌است از این نوع ادبی بهره ببرد. شاعر با تأکید بر تکرار واژه «مدینتنا» (سرزمینمان)، ژرفای عشق و علاقه خویش را نسبت به این سرزمین جاودان نمایان می‌سازد تا بگوید که هدف اصلی او خاک پاک فلسطین است. وی ژرف‌ترین احساسات انسانی خویش نسبت به وطن را در قالب شعر بیان کرده و از فلسطین به «الأم الحنونة» یا مادر مهربانی تعبیر می‌کند که مدتی است از گرمای عشق و محبتش محروم شده‌است و دلتنگ دستان نوازشگر و آغوش پر مهر اوست؛ به همین دلیل در قصیده «أو ترحلین» خطاب به زنان بی‌سرپرست فلسطینی که تصمیم به ترک سرزمینشان گرفته‌اند، چنین می‌گوید:

قُولِي بِرَبِّكَ/تو را به خدا سوگند می‌دهم بگو که

هل تراکِ سَرَّحَلِينَ؟! / آیا تو اینجا را ترک خواهی گفت؟

عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْحَنُونَةِ / آیا از این مادر مهربان ...

عَنْ صَدْرِهَا... أَوْ تَتْرُكِيْنَهُ / از سینه‌اش جدا خواهی شد؟ یا آن را رها می‌کنی؟
لا... لَا إِخَالُكَ تَتْرُكِيْنَهُ (همان: ۱۷) / نه... گمان نمی‌کنم که تو آن را ترک گویی.

«الأم الحنونة» در این قصیده، رمز و نماد وطن است؛ چنانکه در اشعار بسیاری از شاعران مقاومت این نماد به چشم می‌خورد.

وطن پرستی، عنصری است که هارون هاشم همگام با دیگر شعرای پایداری درصدد است تا با تأکید بر آن به برانگیختن حس وحدت در میان اعراب پردازند. وی از سرزمینش به پاکی یاد می‌کند و با ذکر «قدس»، نخستین قبله مسلمانان، جایگاه والای وطنش را متذکر می‌شود. وی خطاب به بیت المقدس این چنین می‌گوید:

يَا قُدْسُ يَا وَطَنَ النَّبِيِّنَ الْأَلَى حَمَلُوا إِلَى الدُّنْيَا الضِّيَاءَ وَبَشَرُوا

ای قدس! ای زادگاه پیامبران والا مرتبه که حاملان نور و هدایت بودند و [به آدمیان] بشارت دادند.

يَا ثَالِثَ الْحَرَمَيْنِ أَوَّلَ قِبْلَةٍ لِلْمُسْلِمِينَ تَرَى تَهَوُّنٌ وَ تَصْغُرُ؟

ای سومین حرم و ای نخستین قبله مسلمانان! تو زبون و حقیر می‌شوی؟ [هرگز]

يَا قُدْسُ مَنْ أَسْرَى النَّبِيَّ تَشْوَقًا لَكَ وَ الدُّنْيَا بِكَ تَهْتَدِي وَ تَنْوَرُ

(هاشم رشید، ۲۰۰۸، ج ۲: ۶۵)

ای قدسی که پیامبر (ص) از روی اشتیاق به تو شبانه [از مسجد الحرام به مسجد الأقصى] روانه شد و دنیا بواسطه تو هدایت شده و روشن می‌گردد!

گر چه اسلام در شبه جزیره عربستان پیدایش یافت؛ اما بیت المقدس، قبله نخست مسلمانان می‌باشد که پس از معراج پیامبر (ص) از مکه به بیت المقدس بر والایی جایگاه این شهر در نزد مسلمانان افزوده شد. وی در ادامه، عزت و سربلندی پایدار و مستدام وطن را یادآور شده و به ندای مدد خواهی و وطنش لبیک می‌گوید:

تَبْقِيْنَ مَهْمَا بَقِيَ الزَّمَانُ عَزِيْزَةً يَا قُدْسُ مَهْمَا حَاوَلُوا أَوْ دَبَّرُوا

ای قدس! تو تا ابد سربلند خواهی ماند؛ گرچه دشمنان [برای نابودی تو] بکوشند و چاره‌اندیشی کنند.

لَبِيْكَ يَا قُدْسُ السَّلَامُ وَ مَرْحَبًا بِالْعَادِيَّاتِ وَ وَيْلٌ لِّمَنْ لَا يَنْفَرُ
(همان)

لبیک ای قدس! درود و آفرین بر آنان که [برای دفاع از تو] شتافتند و وای بر آنان که روانه میدان کارزار نشدند.

با دقت و ژرف‌نگری در اشعار وی درمی‌یابیم که اشعار مقاومت هارون هاشم رشید در توصیف وطن از نظر ویژگی، سبک و درون‌مایه یادآور اشعار شاعران برجسته‌ای چون محمود درویش، سمیع القاسم، توفیق زیاد و دیگران می‌باشد. در حقیقت می‌توان گفت او شاعری اثرگذار در پیشبرد اشعار وطنی در فلسطین می‌باشد.

۲-۶- تهدید دشمن

از دیگر جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر هاشم رشید، تهدید دشمن می‌باشد که به‌هنگام نبرد به بسیج نیروها و تعریف و تمجید از مجاهدان و مبارزان، برای ایجاد انگیزه پایداری و مقاومت بیشتر در آنان می‌پردازد. هاشم رشید در برابر اقدامات ضد انسانی و سرکوب‌گرانه

اشغالگران صهیونیست، شورِ تهدید و مبارزه و قیام را برای بازگرداندن حقوق مدنی در مردم برمی‌انگیزد.

از ویژگی‌های شعر پایداری، تهدید و مبارزه‌طلبی است و شاعران حوزه ادبیات پایداری از این نکته غافل نبوده‌اند. همانگونه که شاعر مقاومت، توفیق امین زیاد در تهدید صهیونیست چنین می‌گوید: «ملت من برخواند گشت و ویرانه‌ها را از نو بنا خواهند کرد. به سوی سرزمین عزیز به سوی زنبق‌ها و گل‌ها برخواند گشت. به‌رغم وجود آتش و زنجیرها و بندها، ملت من برخواند گشت.» (زیاد، ۱۹۹۴: ۲۰). «به تعبیر امام (ره)، اسرائیل غده سرطانی است و تنها راه درمان سرطان، بکار بردن چاقوی جراحی است؛ به عبارت دیگر، تنها با تهدید، جهاد و مبارزه مسلحانه می‌توان اسرائیل را از بین برد.» (پاشاپور یولاری، ۱۳۸۱: ۶۱).

شاعر در قصیده «أُو ترحلین» چنین می‌گوید:

أُو تَرَحْلِین...؟؟ / آیا می‌روی؟

أُو تَتَرَكِین... المَعْمَعَة..؟؟ / و آیا آتش جنگ را رها می‌کنی؟

وَ غَدَاً تَحِینُ المَوْقِعَة / فردا هنگامه جنگ فرا خواهد رسید.

وَ الكُلُّ یَعْرِفُ مَوْضِعَهُ / و هر کس جایگاه خود را خواهد شناخت.

وَ الكُلُّ یَحْمِلُ مِدْفَعَةً / و هر کس ابزار جنگی خود را حمل خواهد کرد.

أُو تَرَحْلِین / آیا می‌روی؟

وَ غَدَاً... غَدَاً یَوْمُ التَّفَیْرِ / فردا ... فردا روز فریاد است.

یَوْمُ الزَّیْبِ... / روز غرش شیرها.

سِیْزَحَفُ الشَّعْبُ الكَبِیْرُ نَحْوَ المَصِیْرِ... غَدَاً یَسِیْر (هاشم رشید، ۱۹۵۷: ۱۷) / این ملت بزرگ به

سوی سرنوشت [خود] خواهد رفت ... فردا می‌رود.

مبارزان فلسطینی از زن و مرد با اتکا به خداوند متعال و اسلحه خویش، تا حد مرگ با اسرائیل می‌ستیزند؛ زیرا اطمینان دارند که نه شرق به درد آنها می‌خورد و نه غرب. آنان با توکل بر خداوند و ایمان به او و قدرت لایزالش تا حصول خواسته‌های مشروع خویش دست از اسلحه برنمی‌دارند.

نفیر، زئیر (غرش) و مدفعة از جمله کلید واژگانی است که شاعر برای تهدید به کار می‌گیرد. وی می‌کوشد تا روحیه تهدیدگرایی او بتواند در دل‌های آشفته ملت رنج‌کشیده و مظلومش مؤثر واقع شود و به این منظور، همگان را به جدیت، تلاش و مبارزه برای رهایی از یوغ بیگانگان فرا می‌خواند. وی می‌کوشد تا با تهدیداتش مردمی را که برای آرمان‌های کشورشان مبارزه می‌کنند به آینده خوش‌بین سازد. وی به استعمار و صهیونیسم که در شعرش «عواصف هوجاء» نام گرفته‌اند، هشدار می‌دهد که فریب تهی بودن دست فلسطینیان از اسلحه را نخورند؛ زیرا فردا مستضعفان و یتیمان بر می‌خیزند و عزم خود را جزم کرده و آتش خشم خود را بر اشغالگران فرو می‌ریزند.

وی در ادامه می‌گوید:

وَ غَدًا ... سَيَنْزَحُ الْقَتَامُ / فردا سیاهی و گرد و غبار رخت بر می‌بندد.

عَنْ أَرْضِنَا... أَرْضِ السَّلَامِ / از سرزمینمان ... سرزمین صلح و دوستی

غَدًا... غَدَاةُ الْإِلْتِحَامِ... / فردا پگاهان جنگ است

عَبْرَ الْحُدُودِ... / در کناره مرزها

غَدًا نَعُودُ... / فردا باز خواهیم گشت

وَ هُنَاكَ لَنْ يَبْقَى يَهُودَ (همان) / و اینجا هیچ یهودی باقی نخواهد ماند.

وی پیروزی را امری قطعی می‌داند و به غلبه بر دشمن ایمان تام دارد. شاعر با زبانی بران و گیرا به تهدید دشمن می‌پردازد و خشم و نفرت خود را از اقدامات بی‌شرمانه دشمن ابراز

می‌کند. او با کاربرد نماد «اللص» و «السارق» به این نکته اشاره دارد که دشمن با غضب و غارت سرزمین فلسطین به دنبال تشکیل هویتی جعلی برای خود می‌باشد:

أَيُّهَا اللَّصُّ.. وَيَا سَارِقُ/ای دزد... و ای سارق!

يَا غَارَ الْحَقْبِ/ای لکه ننگ روزگار!

غَادِرِ الْأَرْضِ..الَّتِي/ترک کن سرزمینی را که

دَنَسْتَهَا..هَيَّا انْسَحِبِ/آلوده اش کردی؛ بشتاب و بیرون برو

هَذِهِ.. الْأَرْضِ../[ترک کن] سرزمینی که

إِذَا لَمْ تَنْسَحِبِ/اگر از آن بیرون نروی

أَيُّهَا اللَّصُّ../ای دزد!

ضِرَامٌ..تَلْتَهَبُ (همان: ۶۶)/ یکپارچه آتش می‌شود و شعله‌های آن زبانه می‌کشد.

۲-۷- امید به آینده‌ای درخشان

از دیگر جلوه‌های پایداری در شعر هاشم رشید، القای امید به آینده و پیروزی موعود است. شاعر از آرزوی رسیدن به آزادی سخن می‌گوید و با توسل به خداوند و امکانات ادبی و بیانی صریح، خطاب به دشمن می‌گوید: «ما یتیمان، مشعل روشنایی می‌شویم و سرزمین پدریمان را آکنده از نور می‌سازیم و جانمان را بر کف می‌گذاریم». شاعر وقتی فضای بسته و خفقان جامعه خود و به خاک و خون غلتیدن مبارزان را می‌بیند، پرچم وطنش را برداشته و آن را بر فراز کشورش به اهتزاز در می‌آورد، تا در سایه آن با دشمنان بجنگد. وی از آزادی یتیمان بی‌سرپرست و در کنار آن از آزادی انسان‌ها و هموطنانش سخن می‌گوید:

يَا أَنْتَ يَا سَمَاءَ.../ ای تو... ای آسمان!

نَحْنُ بِلَا آبَاءٍ/ ما پدرانمان را از دست داده‌ایم.

سَوْفَ نَكُونُ ذُرْوَةَ الْفِدَاءِ / به زودی سمبل [در اوج] فداکاری خواهیم شد.
 سَوْفَ نَكُونُ مَشْعَلِ الضِّيَاءِ / به زودی مشعل نور و هدایت خواهیم شد.
 سَوْفَ نَكُونُ فَيْلِقًا... يَرْكُزُ اللُّوَاءَ فِي مَوَاطِنِ الْآبَاءِ (همان: ۹) / به زودی لشکری سترگ تشکیل می‌دهیم... که پرچم آزادی را در سرزمین پدریمان به اهتزاز درمی‌آورد.

یتیمان، روحیه تلاش و جدیت و استقامت را نویدبخش روزهای خوش دلی می‌دانند که از جان و خون خود برای آن روزها سرمایه می‌گذارند. شاعر بر ایمان به خدا و حرکت و بیداری نهایی یتیمان در برابر طوفان «صهیونیسم» اصرار می‌ورزد و آینده‌ای روشن را نوید می‌دهد. «حق، قدرتمند است و صبور، به ظاهر آرام؛ اما در آرامش او بیداری است و به سپیده‌دم پیروزی نظاره می‌کند.» (آل بویه، ۱۳۹۰: ۱۵).

هاشم رشید ایمان دارد که یتیمان فلسطینی می‌توانند شرایطی را مهیا سازند که وطنشان مملو از سرور گردد و با وجود طوفان سهمگین «اسرائیل» که ناگهان آسمان فلسطین را تیره و تار کرده، افقی روشن برای آینده وطنشان تصور می‌کند. با وجود اینکه پدرانشان به شهادت رسیدند؛ ولی جان‌های سرمست فرزندانشان آماده‌اند تا طلوعی سرشار از شادی را رقم زنند. وی در قصیده «قتلوا اُبی» این طلوع سرشار و این پیروزی قطعی را نوید می‌دهد:

غَدًا... غَدًا سَنُتَارُ / يَا سَيْدِي.. وَ تَنْصُرُ / سرورم! فردا انتقام می‌گیریم و پیروز می‌شویم.
 سَنَلْتَقِي بِهَمِ غَدًا / غَدًا وَ إِن... تَجَبَّرُوا / فردا با دشمنان روبرو می‌شویم؛ اگر چه آنان تکبر و گردنکشی کنند.

سَيَعْلَمُونَ مَنْ هُمُو / وَ إِن هُمُو قَدْ غَرَرُوا (هاشم رشید، ۱۹۵۷: ۵۰) / فردا خود را خواهند شناخت؛ هر چند که آنان مغرور و فریفته شده‌اند.

نوید به آینده‌ای روشن و امید بخش در سراسر دیوان شاعر موج می‌زند. این امر، حاکی از این است که اساس اعتقاد هارون هاشم رشید را اعتقاد به آینده‌ای درخشان تشکیل می‌دهد.

شاعر با پراکندن بذر امید در دل‌های هموطنانش، آنان را به حضور در میداین نبرد و استقامت تا پیروزی نهایی فراخوانده و از این طریق مردم را به سلاحی پیشرفته‌تر از سلاح دشمن مجهز می‌کند؛ وی در قصیده «فرحة» می‌گوید:

يَا فَرَحْتِي... يَا فَرَحْتِي / ای شادمانی من!

عَدَا تَعُود... بِلَدْتِي / فردا سرزمینم باز خواهد گشت.

عَدَا تَعُود غَزَّتِي / فردا غزه‌ام باز می‌گردد.

تَعُودُ لِي... لِإِخْوَتِي / به سوی من و هموطنانم باز می‌گردد.

تَعُودُ لِلْعُرُوبَةِ (همان: ۹۹) / به سوی عربی بودن باز می‌گردد.

شاعر در قصیده «یا جاری» با لحنی قاطع و کوبنده از بازگرداندن آزادی به کشورش سخن گفته و در نهایت امیدواری، آینده روشن سرزمینش را به تصویر می‌کشد:

سَأَزِيْلُ... حُدُوداً زَائِفَةً مَّا بَيْنَ... دِيَارٍ... وَ دِيَارٍ

به زودی مرزهای دروغین میان سرزمین‌ها را از بین خواهم برد.

سَأَعَانِقُ «عكا» فِي لَهْفٍ وَأَقْبِلُ.. كُـلَّ الْأَسْوَارِ

و «عكا» را به گرمی در آغوش خواهم کشید و بر دیوار خانه‌ها بوسه خواهم زد.

سَتَرَانِي فِي جَيْشٍ لَجِبٍ مِّنْ كُلِّ بِلَادِي مِغْوَارِ

(همان: ۱۲۰)

به زودی مرا در لشگری انبوه خواهی دید که از هر سو یورش می‌برد.

از آنجا که شهر «عكا» از شهرهای مهم در سواحل مدیترانه‌است و در مقابل امواج سهمگین، مقاومت بسیار دارد، شاعر آن را نماد فلسطین می‌داند و به طور ویژه از آن نام می‌برد. وی به

گونه‌ای تلویحی به این نکته اشاره می‌کند که تمامی فلسطین همانند شهر «عکا» در مقابله با امواج سهمگین و کوبنده حملات اشغالگران، مقاومت خواهد کرد و تا بازگرداندن سرزمین غارت شده خود از پایداری و استقامت دست بر نخواهد داشت. وی به آینده طلایی وطن، ایمان راسخ دارد و با قاطعیت تمام از بازگشت به گذشته سرشار از مجد و عظمت وطن خبر می‌دهد:

سنرجع یوماً إلی حیّنا / ما روزی به وطنمان باز خواهیم گشت.
 وَ نَعْرِقُ فِی دَافِئَاتِ الْمُنَى / و غرق در رؤیاهای شیرین می‌شویم.
 سَنَرَجِعُ مَهْمَا يَمُرُّ الزَّمَانُ / به زودی باز خواهیم گشت؛ هر چند که زمان‌ها سپری شود.
 وَ تَنَأَى الْمَسَافَاتُ مَا بَيْنَنَا (www.adab.com) / و هر قدر که فاصله میان ما طولانی شود.

۲-۸- شکوه‌های شاعر

همه فلسطینیان بارها شاهد قتل عام هموطنانشان بوده‌اند و انتظار داشتند که کشورهای دنیا و سازمان‌های بین‌المللی از آنها دفاع کنند؛ ولی زمانی که هیچ عکس‌العمل و واکنش شایسته‌ای از سوی هیچ کس دیده نشد، شاعران با زبان قلم وارد عرصه جنگ شدند تا شاید بتوانند از مظلومیّت ملت ستمدیده فلسطین سخن برانند و از وضع موجود گلایه کنند. طبعاً در این موضع لحن شاعر دلسوزانه و مظلومانه خواهد بود؛ زیرا با مشاهده آوارگی و بی‌سرپرستی و درد و رنج‌های مظلومان، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این دردها را در شعرش به تصویر می‌کشد:

يَا مُنْقِدَ الْبُؤْسَاءِ / ای فریادرس بی‌نوایان!
 يَا رَبَّنَا... نَحْنُ بِلَا آبَاءٍ / پروردگارا! ما پدرانمان را از دست داده‌ایم.
 نَضْرِبُ فِی مَجَاهِلِ الشَّقَاءِ / در بیراهه رنج و سختی سرگردانیم.
 بَحْتًا عَنِ الْحَنَانِ وَالْوَقَاءِ / در جست‌وجوی مهربانی و وفا هستیم.

يَا أَنْتَ يَا سَمَاءَ ... يَا رَحْمَةَ الْجُودَةِ وَالسَّخَاءِ / أَيَّ آسْمَانَ! ... أَيَّ مَهْرَبَانَ! بِأَبْخَشْشِ وَعَطَا!
تَحْتَ حَنَاجِرِ الدُّعَا ... صُمَّتْ مَسَامِعُ الْفَضَاءِ ... / از صدای حنجره‌های دعا کننده... گوش‌های
فضا کر شد.

وَ نَحْنُ يَا سَمَاءَ ... نَصْرُخُ يَا سَمَاءَ ... / أَيَّ آسْمَانَ! ... مَا فَرِيَادُ مِي زَنِيم ...

نَحْنُ بِلَا آبَاءٍ ... (همان: ۷-۶) / ما پدران خود را از دست داده‌ایم.

شاعر از آوارگانی سخن می‌گوید که به دنبال آرامش به همه‌جا سرک می‌کشند. وی آنهایی را به تصویر می‌کشد که فریادشان را کسی نمی‌شنود و فقط چشم امید به درگاه خداوند دارند و با حسرت به آسمان می‌نگرند، تا آسمان بر برهنگی و گرسنگی آنها رحم کند. شاعر با نگاه منتقدانه و گلایه‌مند، نابودی سرزمینش را در مقابل دیدگان جهانیان به تصویر می‌کشد و به شدت از بی‌تفاوتی کشورها و ملت‌های اسلامی، بویژه کشورهای همسایه عربی گلایه دارد و این حاکی از همبستگی او با تمام کودکان یتیم و ستم‌دیده فلسطینی می‌باشد:

نَحْنُ بِلَا آبَاءٍ / ما پدرانمان را از دست داده‌ایم.

نَحْنُ كَأُورَاقِ الْخَرِيفِ فِي الْفَضَاءِ / ما همانند برگ‌های پاییزی در فضا پراکنده شده‌ایم.

لَيْسَ لَنَا غَيْرَ مَهَاوِي الْفَنَاءِ / جز دره نابودی چیزی پیش روی ما نیست.

يَا أَنْتَ يَا سَمَاءَ ... يَا رَحْمَةَ الْجُودَةِ وَالسَّخَاءِ / أَيَّ آسْمَانَ! ... أَيَّ مَهْرَبَانَ! بِأَبْخَشْشِ وَعَطَا!

تَحْتَ حَنَاجِرِ الدُّعَا ... صُمَّتْ مَسَامِعُ الْفَضَاءِ ... (همان: ۷) / از صدای حنجره‌های دعا
کننده... گوش‌های فضا کر شد.

هاشم رشید نیز مانند اکثر شاعران ادبیات پایداری، به‌ویژه در کشورهای عراق و فلسطین، غرق بودن اعراب در خوشی‌ها و لذت‌ها و ثروت‌ها را به باد انتقاد و گلایه می‌گیرد و از اینکه آنان به یاری فلسطینیان و آوارگان نمی‌شتابند، شکوه می‌کند. از جمله این شاعران عمر ابوریشه‌است (ن.ک: مختاری و شهبازی، ۱۳۹۰: ۵۳۵) که از چنین وضعی تأسف می‌خورد:

فَلَرُبَّ سِكِّيرٍ شَدَا مُتَرَنَّحًا وَ دُمُوعُهَا مَمَزُوجَةٌ بِعِقَارِهِ
 وَ لَرُبَّ مِتَلَافٍ أَشَاحَ بِوَجْهِهِ عَنَهَا وَ مِلءُ الْبَيْدِ سَيْلٌ نُضَارِهِ
 (ابوریشه، ۱۹۸۸: ۲۰)

چه بسیار دائم الخمری که با حالتی مست، آواز خواند و اشک‌های آوارگان فلسطینی، آمیخته به شراب اوست.

و چه بسیار مُسرفی که چهره از آوارگان گرداند، در حالی که ثروت و غنای او بسیار بود.

۲-۹- تکرار در شعر هارون هاشم رشید

یکی از بارزترین عواملی که همواره منجر به نفوذ شعر نو در ادبیات شده‌است، تکرار حروف، کلمات و جملات آن است. تکرار در شعر موجب زیبایی موسیقی کلمات و جملات می‌شود. «شعر نو پای‌بند قافیه و ردیف نیست، تکرار در آن نقش عمده‌ای دارد و خواننده را با خود همراه می‌سازد.» (عاشور، ۲۰۰۴: ۱۵).

شاعر در پدیده تکرار به دنبال اصرار و پافشاری بر موضوعی است که برایش اهمیت ویژه‌ای دارد. شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر از نوعی تکرار تحت عنوان «تکرار هنری» در دو شکل مرئی و نامرئی یاد می‌کند. تکرار هنری در نظر وی، تکراری است که در ساختار شعر، نقشی خلاق دارد و در ترکیب اثر هنری در مرکز خلاقیت هنری گوینده قرار می‌گیرد (ن.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۰۸). «تکرار از پدیده‌هایی است که برای فهم متن ادبی به کار می‌رود و بلاغیون عرب به آن اهتمام وافری داشتند و برای شواهد شعری و نثری به آن تمسک می‌جستند.» (القیروانی، ۱۹۸۱: ۷۳). از آنجا که تکرار نقش بسزایی در ایجاد موسیقی درونی شعر دارد، اکنون به‌نگرشی اجمالی به انگیزه‌های تکرار و میزان موفقیت شاعر در شعرش می‌پردازیم:

هارون هاشم رشید در آغاز قصیده «اطفالُ بلا آباء» و در مصراع «عیونهم تستنجد السماء» حرف «اء» را آورده و آن را ۵۰ مرتبه تا پایان قصیده تکرار کرده است تا ضمن رعایت موسیقی درونی و بیرونی قصیده، بتواند شدت و وسعت ظلم و خشونت دشمن را نمایان سازد و نیز بتواند احساسات مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهد و آنان را متوجه مظلومیت فلسطین نماید. وی همچنین ۱۶ مرتبه حرف نداء «یا» را فقط با لفظ جلاله الله تکرار کرده است تا عظمت و بزرگی خداوند را اثبات و میان خود و معبودش از این طریق رابطه برقرار کند. نیز این نکته را یادآور شود که جز خدا، کسی یار و یاور حقیقی او نیست و به هیچ کس جز او توکل نمی کند. شاعر ۷ مرتبه در قصیده «اطفالُ بلا آباء» از ضمیر «نا» و ۱۲ بار از ضمیر «نحن» و فعل متکلم مع الغیر استفاده کرده است. و جالب اینجاست که در هر دو قصیده از هیچ فعل و یا ضمیر متکلم وحده ای سخن نرانده است؛ تا اثبات کند که «منیت» در کار نیست و هرآنچه را که بدان می اندیشد، فقط جمع و کل و طنش می باشد. نیز ۱۰ مرتبه «سماء» را تکرار کرده است و در مقابل آن از واژه «أرض» سخنی نگفته است تا بگوید که ما فلسطینیان از زمین و اهل آن دل کنده ایم و چشم امید ما تنها به آسمان و آسمانیان است. شاعر ۹ مرتبه «آباء» و فعل «کانوا» که به آباء برمی گردد را تکرار کرده است تا کلام یتیمان آواره فلسطینی مبنی بر افتخار ورزیدن به پدرانشان و شهادت آنان را به همگان برساند و عزت و شرافت پدرانشان و آرمان های مقدسی را که در راه آنها به شهادت رسیدند، یادآور شود. شاعر در استفاده از واژه «وطن» در قصیده «اطفالُ بلا آباء» بخل می ورزد و فقط آن را ۲ بار در قصیده آورده است که مبدا دشمن لفظ مقدس وطن را بشنود و روی به اشغال آن بیاورد؛ به همین دلیل وی در میان مرواریدهای الفاظش، این لفظ را پنهان نموده و زبان در مدح آن نمی گشاید که این طوفان ویرانگر، «صهیونیست» آن را ویران نکند. شاعر همچنین ۳ مرتبه «سوف» را همشین «نکون» آورده است تا به اتحاد کودکان فلسطینی در آینده اشاره کند و قطعیت و حتمیت آن را اثبات کند. بنابراین «تکرار می تواند معنی را بی نیاز و آن را به درجه اصالت برساند و آن در صورتی است که شاعر بتواند آن را

درست بشناسد و درست بکار برد.» (نازک الملائکه، ۱۹۸۹: ۲۶۴-۲۶۳)؛ چنانکه در ابیات هارون هاشم رشید این اصالت و زیبایی را ملاحظه کردیم و این بدین دلیل است که شاعر از پدیده تکرار در جهت تأثیر اشعارش بر مخاطب به بهترین وجه بهره برده است.

۳- نتیجه گیری

۱- از دید هارون هاشم رشید، صبر، توکل و ایمان به خداوند مقدمه پیروزی و پایداری مبارزان و یتیمان فلسطینی است و کسی که متصف به صفت «توکل به خدا» نباشد، هرگز نمی‌تواند به آرمان‌هایش دست یابد. شاعر با آوردن جمله «یا أنت یا سماء» که چندین بار آن را تکرار کرده است و دلالت بر امید، ایمان و توکل بر خداوند تبارک و تعالی دارد در واقع بیان می‌کند که ایمان و توکل به خداوند، الهام کاملی است برای زندگی که هرگونه اندیشه، تلاش و حرکتی را در بر می‌گیرد. شاعر زیباترین و ارزشمندترین سروده‌های مقاومت تاریخ فلسطین را به یتیمانی که پدرانشان در راه آزادی وطن به شهادت رسیدند، اختصاص داده است. به نظر می‌رسد شعر هارون هاشم رشید حاوی این پیام است که اگر قرار بر این باشد که شاعری، اندک شعری بسراید، باید در مدح خون به‌ناحق ریخته پدران یتیمانی باشد که غم و اندوه، سرپرست و همراه همیشگی آنان است.

۲- ستایش یتیم و یتیم‌نوازی هارون هاشم رشید از جمله مضامین شعری اوست که گویای اوج عطف و دلسوزی وی نسبت به آنان است. یتیمانی که وجودشان به دلیل شهادت پدرانشان، آکنده از حزن و اندوه است و به یاد آوردن گذشته درخشان پدرانشان و آوارگی و مظلومیت آنان از درون مایه‌های شعر اوست.

- ۳- شاعر با درک فضای سرشار از هراس و استبداد زمانه‌اش، بر آن است تا رسالت ادبی خویش را که همان بیداری مردم و ترغیب آنان به توجه نمودن به فلسطینیان و رهایی آنان از وضعیّت نابسامان و آشفته موجود است، با زبانی نمادین به سرانجام برساند.
- ۴- مسائلی که شاعر از آنها رنج می‌برد، مسائلی هستند که ریشه در حس دردمندی اجتماعی و بشری دارند؛ حسی که از ذات و وجدانی بیدار نشأت می‌گیرد و با تمام وجود وی عجین می‌گردد.
- ۵- غالباً نمادها در شعر هارون هاشم رشید، عناصر طبیعت هستند؛ ولی شاعر در دیوان خود از سایر نمادها نیز بهره برده‌است که برخی از آنها عبارتند از: «لیلة لیلاء» (شبی تاریک)، «عواصف هوجاء» (طوفان‌های سهمگین)، «سوداء» (سیاه)، «اللص» یا «السارق» (دزد) و «الذئب» (گرگ)، نماد خشونت و اسرائیل می‌باشند و برخی دیگر از جمله: «الأبواب البيضاء» (درب‌های سفید)، نماد آرامش فلسطین پیش از اشغال، «مشعل الضیاء» (مشعل نور و هدایت)، «الأم الحنونّة» (مادر مهربان) و «عکاء» نماد فلسطین در زمان اشغال و پایداری فلسطینیان و یا «تلاً حمراء» (تپه‌های سرخ)، نماد سرزمین فلسطین پس از اشغال می‌باشند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۲- أبوریسه، عمر. (۱۹۸۸م). دیوان عمر أبوریسه. المجلد الأول. بیروت: دار العوده.
- ۳- پاشاپور یوالاری، حمید. (۱۳۸۱ش). **امام خمینی و انتفاضه**. ج ۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴- الجیوسی، سلمی الخضراء. (۱۹۹۷م). موسوعة الأدب الفلستینی المعاصر. ج ۱. الطبعة الأولى. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- ۵- زیاد، توفیق امین. (۱۹۹۴م). **أشد علی آیادیکم**. الطبعة الثانية. عکا: مطبعة أبورحمون.

- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶ش). موسیقی شعر. چاپ دهم. تهران: نشر آگاه.
- ۷- طاهری‌نیا، علی‌باقر. (۱۳۸۴ش). میوه‌های پایداری در شعر ابن ابار قضاعی. کرمان: انتشارات آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
- ۸- طبرسی، فضل‌بن حسن. (۱۳۷۷ش). تفسیر جوامع الجامع. تهران: ناصر خسرو.
- ۹- عاشور، فهد ناصر. (۲۰۰۴م). التکرار فی شعر محمود درویش. عمان: وزارة الثقافة.
- ۱۰- عطوات، محمد عبدالله. (۱۴۱۹م). الاتجاهات الوطنية فی الشعر المعاصر. بیروت: دارالآفاق الجديدة.
- ۱۱- القیروانی، ابن رشیق. (۱۹۸۴م). العمدة فی محاسن الشعر. الطبعة الثامنة. بیروت: دار العلم للملایین.
- ۱۲- هاشم رشید، هارون (۲۰۰۸م). الأعمال الشعرية، ج ۱ و ۲. الطبعة الأولى. عمان: دار مجدلاوی.
- ۱۳- هاشم رشید، هارون. (۱۹۵۷م). غزوة فی خط النار. بیروت: دار العلم للملایین.

ب. مقاله‌ها

- ۱۴- آل بویه لنگرودی، عبد‌العلی. (۱۳۹۰ش). «جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی». مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره چهارم. صص ۲۷-۱.
- ۱۵- ابوهیف، عبدالله. (۲۰۰۷م). «الدرامية فی شعر عمرأبی ریشه. قطوف». السنة الرابعة. العدد الخامس.
- ۱۶- روشنفکر، کبری و دیگران. (۱۳۹۰ش). «درونمایه‌های مقاومت در شعر «جواد جمیل» با تأکید بر دفتر شعری (اشیاء حذفها الرقابة)». مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره چهارم. صص ۲۷۶-۲۵۷.
- ۱۷- علیپور، صدیقه. (۱۳۹۰ش). «نشانه‌شناسی هیوگرام مفهومی «شهادت» در شعر دفاع مقدس». مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره چهارم. صص ۴۰۶-۳۷۹.

- ۱۸- کافی، غلامرضا. (۱۳۹۰ش). «بررسی عنصر بصیرت و زمان آگاهی در شعر دفاع مقدس». مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره چهارم. صص ۴۷۷-۴۵۵.
- ۱۹- کوپا، فاطمه. (۱۳۹۰ش). «بن‌مایه‌های نمادین و شگردهای روایی در رمان «دارمیه» از سری داستان‌های دفاع مقدس». مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره چهارم. صص ۵۰۳-۴۷۹.
- ۲۰- مختاری، قاسم، شهبازی، محمود. (۱۳۹۰ش). «جلوه‌های پایداری در شعر عمر ابوریشه». مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره چهارم. صص ۵۴۳-۵۱۹.
- ۲۱- <http://www.adab.com/modules.php?name=Sh3er&doWhat=ssd&hid=429>
- ۲۲- <http://www.nooreladab.com/vb/showthread.php?t=6290>